

گذری بر تاریخ نخستین بیمارستان مشهد در سالروز ساختش

طیب خشتی ۸۸ ساله

لیلاکوک زاده(به بنای هشتادوهشت ساله بیمار ستان امام رضا^ع) که نگاه می کنیم، هنوز هم در رنگ ها، هم نشینی عقیق و فیروزه است. عمارت کلاه فرنگی با ایوان های بلند، یادگار دوران سخت ایران بین دو جنگ جهانی است. در اواخر دوره قاجار، زمانی که مشهد با کمبود درمانگاه و بیمارستان روبه روست. آستان قدس رضوی به تأسیس بزرگ ترین و مهم ترین بیمار ستان در شرق کشور به نام شاه رضا^ع(امام رضا^ع)فعلی) در سال ۱۳۰۷ خورشیدی اقدام می کند که در ۱۳۱۳ خورشیدی رسماً افتتاح می شود. در گزارش پیش رو، تاریخ بیمارستان را بانگاهی به معماری ویژه آن، لزوم ساخت بیمارستان در مشهد و جایگاه علمی آن در گفت وگو باغلام رضا آذری خاکستر، پژوهشگر حوزه تاریخ پزشکی در مشهد، و همچنین پروفیسور علی شاملو، یکی از مدبران قدیمی بیمارستان در دهه ۵۰، مرور کرده ایم.

- H دو کنار هم

ساخت بیمارستان امام رضا^ع در سال ۱۳۰۷ خورشیدی هم زمان با برنامه ریزی های چندساله برای برگزاری جشن هزارمین سال تولد فردوسی بزرگ (۱۳۱۳ خورشیدی) شروع می شود. طراح بیمارستان، مهندس کریم طاهرزاده بهزاد، طراح آرامگاه فردوسی است که تازه باتحصیلات معماری از برلین به ایران بازگشته است. در واقع بعد از اینکه بهزاد، در شهریور ۱۳۰۷ خورشیدی برای طراحی واحداث آرامگاه فردوسی وارد مشهد می شود، آستان قدس رضوی از اومی خواهد نقشه ای برای بیمارستان مطابق با احتیاجات اداره تولیت ترسیم کند. البته این هنرمند در سال های بین ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۳ خورشیدی، چهار بنای مهم راد مشهد می سازد؛ بناهایی که با گذشت بیش از ۸ دهه، همچنان بدون تغییر روی پا هستند، آرامگاه فردوسی، بیمارستان امام رضا^ع، دبیرستان دکت علی شریعتی (شاه رضای سابق) و ساختمان تئاتر مشهد. ساخت بیمارستان امام رضا^ع اما شش سال به طول می انجامد و در سال ۱۳۱۳ خورشیدی با نام، مر یضخانه شاه رضا، در محل جدیدی از زمین های الندشت که موقوفه آستان قدس رضوی است و خارج از شهر و خوش آب و هوا، افتتاح می شود.

اما نقشه بیمارستان با بهره از معماری اروپای قرن ۱۹ دارای دیوپلان اچ شکل (H) است که از حروف اول کلمه Hospital گرفته شده و با این نشانه از نمای بالا، مانع از حمله به بیمارستان در زمان جنگ می شود، چون طبق

فعالیت های پزشکی آستان قدس رضوی با سابقه ۵۰۰ سال از دوره صفویه با تأسیس دارالشفای آغاز می شود که آن هم به دلیل حضور حرم مطهر امام رضا^ع در مشهد است. دارالشفاد کنار حرم در خدمت زائران و مجاوران بوده است، اما مشهد با داشتن تنها یک دارالشفایا کمبود درمانگاه و بیمارستان روبه رو کرد و همین می شود که آستان قدس در سال ۱۳۰۷ خورشیدی به تأسیس بیمارستان اقدام می کند.

دارالشفای دیگر هیچ

● غلام رضا آذری خاکستر، پژوهشگر تاریخ پزشکی در مشهد، می گوید: ما در اواخر دوره قاجار در مشهد یک بیمارستان ایرانی به نام دارالشفاداریم. سایر بیمارستان ها، درمانگاه های وابسته به کنسولگری های خارجی مثل شوروی، انگلستان و آمریکا هستند. یک درمانگاه انگلیسی در خیابان عدل خمینی نزدیک به بازار جنت امروزی فعالیت داشته است. بیمارستان شوروی هم تحت عنوان بیمارستان کنسولگری روسیه در ابتدای خیابان سعدی قرار داشته است. سابقه فعالیت بیمارستان آمریکایی هادر محله چهارباغ از اواخر قاجار تا سال ۵۷ است. این مراکز درمانی در کنار خدمت به شهروندان خودشان، به مردم مشهد هم خدمات درمانی می دادند. اما تأسیس بیمارستان امام رضا^ع به عنوان بزرگ ترین و مهم ترین بیمارستان در شرق کشور و حضور پزشکان خارجی در آن، کمک بسیار

قوانین بین الملل در زمان جنگ، هیچ کشوری حق حمله به بیمارستان ها را نداشته است.

- توجه امام هشتم(ع) مرا نجات داد

کریم طاهرزاده بهزاد، طراح و معمار بیمارستان امام رضا^ع، بیست سال پس از تأسیس این مکان به شادمان، تولیت آستان قدس رضوی، نامه ای می نویسد و مخاطرات و مشکلاتش در بنای بیمارستان شاه رضا را یادآوری می کند. این نامه بسیار خواندنی است و از علاقه و تلاش بهزاد برای ساخت این بنا نشان دارد. در این نامه نوشته شده است: «... آری شش سال ونیم برای خاطر ایده آل صنعتی خود در مشهد توقف کرده و در بیابان الندشت با مار و مور و بدون اجر و مزد و تشویق و قدرانی کوشیده و بیمارستان ساخته ام! من تصور می کردم آثار هنری هیچ وقت فراموش نمی شوند! می گویند آثار هنری زبان دارد و آنچه که دیده و شنیده به نسل آینده می گوید، حقایق را آشکار می سازد، و باز می گویند: انسان هر چه بیشتر به کار و کردار خود عقیده محکم داشته باشد، کارهای او افزون تر و آشکارتر مورد توجه گره و فهمیده ودل آگاه قرار می گیرد... بسا شب هادر بیابان الندشت مورد حمله گرگ و جوجه تیغی و غیره قرار گرفته و با نیروی جوانی خم به ابرو نیاورده و جان به سلامت می برد و ولی از حمله حیوانات ناطق سالم نماندم! و بارها تادم مرگ رفته و فقط توجه امام هشتم^ع مرا نجات داد...»

گذری بر اهمیت ساخت نخستین بیمارستان در مشهد اوایل قرن چهاردهم

۴ قرن پس از دارالشفای

شلاخ در همین تاریخ از «سل ربوی،» به عنوان یکی از بیماری های فراوان در مشهد یاد کرده و تأسیس بیمارستان مسلولین را پیشنهاد کرده است.

نگارنده کتاب، تاریخ پانصد ساله خدمات پزشکی در آستان قدس رضوی، از دارالشفای بیمارستان رضوی، ادامه می دهد: با شروع جنگ جهانی دوم، بسیاری از بیمارستان هادر اروپا از بین رفته و د کترها و پرستاران دنیال کار و از طرفی به دنبال فضایی بودند که در امنیت و آرامش به کار طبابت بپردازند. این گونه بود که در سال های بین ۱۲۱۳ تا ۱۳۲۰ خورشیدی، چندین پزشک خارجی که تعدادشان به ۱۷ تن می رسید، در بیمارستان امام رضا^ع استخدام و در بخش های مختلف مشغول به کار شدند.

حضور پزشکان خارجی در ایران تابع قوانینی هم بوده است؛ مثلاً باید پنج سال مستقل در کشورشان طبابت کرده باشند، رونوشتی از مدارک خود که به تأیید دادگستری رسیده باشد، ارائه کنند و...

البته آن طوره که آذری خاکستری می گوید، آن زمان بسیاری از پزشکان و مردم تمایل نداشتند پزشکان خارجی در بیمارستانی کار کنند که مختص شیعیان است و تحت نظر آستان قدس رضوی، اما برای آستان قدس رضوی پیشرفت علم و دانش اهمیت داشته و



- ویژگی های بیمارستان شاه رضا از زبان محمودلی خان اسدی

بیمارستان امام رضا^ع در دوره نیابت تولیت محمود ولی خان اسدی ساخته می شود. این شخصیت در شرح تاریخ بنا و ویژگی های بیمارستان شاه رضابه سال افتتاحش، در گزارشی عنوان کرده که این بیمارستان در بهترین اراضی و نقاط خارج شهر مشهد در زمینی به مساحت ۱۸ هزار متر مربع یا گنجایش ۳۰۰ تخت خواب ساخته شده است و به تصدیق همه سیاحانی که تا کنون این بنا را دیده اند، در کل شرق، بیمارستانی به این عظمت و ظرافت بنا وجود ندارد. او همچنین نوشته است که بنای مزبور، ۱۸ دستگاه عمارت به این شرح دارد: عمارت مخصوص مبتلایان به امراض داخلی و امراض جراحی، اتاق عمل و قسمت کحالی، قسمت انفرادی و خصوصی، قسمت مبتلایان به امراض مسریه و قسمت مخصوص وزا یشگاه، رختشوی خانه و آشپز خانه و دو خانه، لابراتوار و قسمت مخصوص دفتر و قسمت مخصوص طبیب مقیم، مدرسه و مسجد و مغسل، اسدی همچنین عنوان کرده است که همه عمارت هادارای حرارت مرکزی و آب گرم و چراغ برق خوا هبود. اتاق هانیز دارای کاشی سفید و فرش آن از آجر اعلاست. اسلوب این عمارات نیز شرقی، ولی دارای مزایای تکنیک اروپایی است.

***منظور از شاه رضا، پهلوی اول نیست و این نام از ابتدا به امام رضا^ع به عنوان شاه خراسان اشاره دارد**

بهره بردن از حضور پزشکانی که هم تجربه دارند و هم تخصص و تعهد، از دیگر پزشکان نام آشنای خارجی، دکتربولون بلژیکی است که از سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۸ در بیمارستان امام رضا^ع به عنوان رئیس بخش جراحی فعالیت می کرده. پروفیسور بولون که بنیان گذار بخش جراحی نوین در کشور به شمار می رود، در اواخر عمر به دین اسلام گرایش پیدا کرد و مسلمان شد.



ناصرالدین شاه قاجار در دارالشفای آستان قدس رضوی



تصویری از نعلالملک (نفر سوم ایستاده از سمت راست) در اواخر عمر در بیمارستان امام رضا^ع



جمعی از پزشکان بیمارستان امام رضا^ع سال ۱۳۳۹ خورشیدی



سردر بیمارستان امام رضا^ع اوایل قرن ۱۴

بیمارستان امام رضا^ع در یک نگاه

بنای احداث بیمارستان: آستان قدس رضوی	سال کلنگ زنی: ۱۳۰۷ خورشیدی	سال تأسیس: ۱۳۱۳ خورشیدی	معمار بنا: کریم طاهرزاده بهزاد
دلیل ساخت بیمارستان: نبود بیمارستان در مشهد تا ابتدای قرن ۱۴			
ویژگی معماری: عمارت شرقی با فناوری اروپایی، علاوه بر این نمای بیمارستان از بالا شبیه H انگلیسی به معنای hospital (بیمارستان) است			
نخستین مدیر بیمارستان: محمد معاضد		سال نخستین بازسازی بیمارستان: ۱۳۵۶ خورشیدی	

شماره ۱۵

۴شنبه
۲۱ شهریور، ۱۳۹۱
۲۴ مهر ۱۳۹۴
شماره ۲۲۹

۱۵



تاریخ و هویت

گپ و گفت

گفت وگو با پروفیسور فریدون شاملو درباره بیمارستان امام رضا(ع)

که در دوره دوم پهلوی به یک مخروبه تبدیل شده بود

روزهای بیماری یک بیمارستان



شادی شاملو اقرار بود ساعت ۱۰:۳۰ جلویله های مطبی که سال هاست درش بسته شده و دیگر تابلویی ندارد، باشم. پروفیسور فریدون شاملو به وقت شناسی بسیار اهمیت می دهد و ثانیه ای تأخیر رانمی بخشد. با اولین زنگ، در قهوه ای فلزی به رویم با می شود و وارد اتاقی می شوم که دور تادورش پر از کتاب های خطی است. پشت میزمی نشینیم. روی جاکتابی، عکس های پدر بزرگش، غلامعلی شاملو، ملقب به صدرالطبا بامدل هایی که به سینه اش زده شده بود است پدرش، دکتر علی شاملو، خودنمایی می کند.

از پروفیسور می خواهم درباره بیمارستان امام رضا^ع (شاه ضای سابق) برانیم بگوید که تصویرش در پوستر کوچکی که قاب شده است روی یکی از قفسه ها قرار دارد.

زمان ریاست پروفیسور شاملو بر بیمارستان، بین سال های ۵۴ تا ۵۶ عنوان شده است. شروع به صحبت می کند: «وقتی ریاست دکترسیروس معتمدی تمام شد، از من که تازه تأسیس بیمارستان قائم (شهناز) را تمام کرده بودم، خواستند به بیمارستان شاه رضا برسم. بیمارستان آن دوران، بیشتر شبیه یک مخروبه بود. سالیان زیادی می گذشت که هیچ توجه ای به وضعیت ساختمان نشده بود، بخش هایی تخریب شده و اتاق هایی هم دیگر قابل استفاده نبودند.

همچنین مرا جعان بسیار زیاد و مصدومانی که از راه می رسیدند، جایی برای پذیرششان وجود نداشت، در نتیجه روی زمین آلوده و کثیف می خوابیدند تا نوبت به معاینه شان برسد.

با صحبت و اجازه از رؤسای دانشگاه به ویژه د کتر قوام نصیری که آن زمان، ریاست دانشگاه را به عهده داشت، قرار شد بودجه ای به تعمیرات و نوسازی بیمارستان تعلق بگیرد و هر ماه هزینه اش تأمین بشود. مسائل مالی به من ربطی نداشت و من هیچ دخالتی در آن نداشتم. تنها باید تعداد زیادی کارگرو بئا، به صورت شبانه روزی شروع به تعمیر بیمارستانی کردیم که به جز فضای داخلی، در نمای بیرونی هم دچار آسیب های جدی شده بود. مثلاً آجرها کنده شده، پله ها شکسته یا از بین رفته بود.»

پروفیسور نفسی تازه می کند و ادامه می دهد: «متأسفانه در این مدت، روز به روز تعداد مراجعه کنندگان بیشتر می شد و باز هم بیماراران روی زمین می خوابیدند و دکترها باید روی زمین می نشستند و فقط امکان معاینه سطحی وجود داشت. اولین کارمان، مر بوطه به همین بخش می شد. کارها رو به پیشرفت بود و توانستیم بیماران را به بخش مرمت شده بفرستیم. از اطبا خواسته بودم راس ساعت ۸ در بیمارستان حاضر باشند. بیماران به نوبت، بستری، معاینه و رسیدگی می شدند. اگر نیاز بود به صورت سرپایی تحت درمان قرار می گرفتند تا برای مراجعه کنندگان بعدی جابا شد. به تدریج دیگر از حامی وجود نداشت و دیگر کسی روی زمین نمی خوابید تا معاینه شود.

پروفیسور بلند می شود و پوشه ای را از پشت سرش برمی دارد تا عکس هایی را نشان دهد که مر بوط به بخش های آسیب دیده ساختمان در آن زمان است.» پس از تعمیر بخش ها، نوبت به اتاق های عمل رسید که کاملاً قدیمی، فرسوده و کاشی هایش همه لق شده بود. دستشویی های شکسته و رنگ گرفته و تخت های خراب و چراغ های قدیمی و... همگی عوض شدند. داخل بنا را که کاملاً نوسازی کردیم، نوبت به نمای ساختمان آن بخش رسید. بیمارستان از زمان افتتاح به دست اسدی و پهلوی اول، همان بود که بود، آنچنان که گنبد زیبای ساختمان از هم پاشیده بود. پس از این، سراغ زیر زمین های بیمارستان رفتیم که به مدت ۴۰ سال تخلیه نشده بود، طی آن همه سال آنجا انبار شده بود. همه چیز گندیده، پوسیده، کپک زده و بیوی نا و رطوبت گرفته بود. وضع بسیار اسفباری بود. همه بخش های زیر زمین کاملاً تخلیه، تمیز و شسته و مجدداً رنگ آمیزی و پنجره ها نیز عوض شد. در ادامه بخشی از فضای بیمارستان را تبدیل به داروخانه مرکزی کردیم. تا آن روز بیمارستان برای خود، داروخانه ای نداشت.

اومی افزایش: برای بخش دیگری، راه پله ای به طبقات همکف تعبیه کردیم که تبدیل به کلاس های درس و مکانی برای استادان شد. ضمن تمیز کاری و بازسازی زیر زمین در انتهای سمت چپ ساختمان هم مقدار زیادی عکس قاب گرفته از زمان افتتاح بیمارستان پیدا کردیم که روی هم ریخته شده بودند، آن ها را برای نمایش افتتاح مجدد بیمارستان که قرار بود در فروردین سال ۱۳۵۶ باشد، کنار گذاشتیم. نوبت به بخش آناتومی و پاتولوژی رسید که تحت ریاست د کتر قوام نصیری و د کتر علوی بود. تعمیرات آن قسمت که تمام شد، سراغ قسمت هایی رفتیم که وجود نداشت، با اینکه بیمارستان در اختیار دانشگاه بود، هیچ توجه ای به دانشجویان نشده بود.

ما علاوه بر همه این کارها، شروع به ساختن آشپزخانه مرکزی و رستوران کردیم، همچنین خوابگاه مرکزی، سالن کنفرانس و کتابخانه که دانشجویان به راحتی بتوانند به همه چیز دسترسی داشته باشند. تا آن زمان چنین بخش هایی وجود خارجی نداشت. این طور بگویم، اوضاع آن قدر بد بود که متأسفانه تا آن زمان، اگر کسی در بیمارستان به هر علتی فوت می کرد، مکانی برای نگهداری اش وجود نداشت. در هر سوراخی، یک جنازه (مرده یا جسد) را رها کرده بودند تا خانواده اش بیاید و تحویلش بگیرد. برای همین هم در قسمت انتهایی بیمارستان سردخانه ساختمیم تا متوفیان را در آن جای بدهیم و مسجدی بنا شد تا افرادی که برای تحویل عزیزشان می آیند، مراسم مختصری برای کفن و دفن انجام دهند.

تا خاطر من رفته بگویم، ساختمان دیگری که روبه روی بخش رادیولوژی قرار داشت، کاملاً مخروبه شده بود، آن را دوباره ساختیم و به سالن کنفرانس تبدیل کردیم. از د کتر داوودی و همکارانشان خواستم به بازسازی و تعمیر بخش های رادیولوژی برسند. تعمیرات تقریباً تمام شده بود و زمان افتتاح مجدد رسید. بیمارستان که نونوار شد، شخص اول مملکت با همراهانش برای دیدار آمد و مدو ستوراتی برای تخصیص خرید لوازم جدید مثل سی تی اسکن داد ولی چون روزهای آخر سلطنتش بود، محقق نشد. کم کم اعتصابات و تحصن های دانشجویان شروع شد و حمله به بیمارستان رخ داد. ریاست من هم به پایان رسید و برای ساختن و تجهیز بیمارستان امید (مرکز درمانی رضای سابق) شروع به کار کردم تا اینکه پس از پیروزی انقلاب همه چیز به مرور به رونق گذشته برگشت و بهتر شد.

باسباس از:

کاظم

جهانگیری

کلاسه

کارشناس

بخش اسناد

در مرکز اسناد

آستان قدس

رضوی